

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۱ جون ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۳۲۰

مُلحدنامه

— ۸۶ —

تو این انباردار ابله مجهول احمق را که بیر از گُریه، اسپ از خر، شغال از شیر نشناسد
شد از زیر و زیر گشتن چنان زیر و زیر عقلش که اندر مکتب دانش زیر از زیر نشناسد
دماغش از بلای ابنه^۱ گشته، آن چنان مختل که از اسباب عالم هیچ غیر از کیر نشناسد

* * *

^۱ - "ابنه" (به ضم اول و فتح دوم): در دو معناست:

- کینه و حقد و حسد و عقده

- خارش مقعد، که در اصطلاح کابلی آن را "فُخ" (کخ) نامند.

گرچه هر دو معنی درینجا صادق می افتد، ولی هیئت اولی مرجح پنداشته می شود!!! (معروفی)